



گزارش شهروندی فیدوس

توقف مگا پروژه ۴ میلیارد دلاری هلدینگ خلیج فارس

مدیریت ناکارآمد امیر آذری در پتروشیمی هرمز

عامل خسارت چشمگیر این مجموعه

با گذشت نزدیک به یکسال از انتصاب امیر آذری به سمت مدیرعامل پتروشیمی هرمز وضعیت آشفته این شرکت و برهم خوردن نظم مجموعه منجر به زیان گسترده در این پتروشیمی شده است.

جذب نفرات غیر بومی و بی تجربه که به صرف آشنایی و روابط رانتی در این مجموعه مشغول به کار شده‌اند همزمان با حذف نیروهای کارآمد بحرانی جدی در پتروشیمی هرمز پدید آورده است.

گزارش‌های مستند و رسمی نشان می‌دهد که در پی تغییرات مدیریتی شرکت پتروشیمی هرمز خلیج فارس، مجری ابرپروژه استراتژیک «الفین هرمز»، این طرح کلیدی ملی با توقف کامل فعالیت‌ها، رهاشدگی اجرایی، بحران مالی و تخلفات گسترده مواجه شده و خطر توقف مگا پروژه‌ای با ارزش بالغ بر ۴ میلیارد دلار از منابع عمومی را در پی دارد.

توقف کامل پروژه پس از انتصاب مدیریت جدید

بر اساس مستندات، پس از انتصاب آذری در ۳ بهمن ۱۴۰۳، فعالیت‌های اجرایی پروژه که پیش‌تر با سرعت منظم پیش می‌رفت، به‌طور کامل متوقف شده و موجب بیکاری و اخراج بیش از ۱۰۰۰ کارگر شده است. این در حالی‌ست که پروژه پیش از تغییر مدیریت، با وجود محدودیت‌های مالی، ماهانه بین ۱ تا ۱,۵ درصد پیشرفت داشت.

سوءمدیریت مالی و هزینه‌کردهای غیرضروری

درحالی‌که مدیریت جدید توقف پروژه را به «کمبود نقدینگی» نسبت داده، گزارش نشان می‌دهد:

- ۲ برابر شدن تعداد نیروهای ستادی در تهران در کمتر از چند ماه
- پرداخت حقوق‌های غیرمتعارف (تا بالای ۱۰۰ میلیون تومان)
- پرداخت پاداش‌های چندصد میلیونی در اوج رکود کامل
- خرید تجهیزات اداری و خدمات غیرضروری به ارزش ۴۰ میلیارد تومان

این موارد، به‌عنوان مصادیق آشکار اتلاف منابع و تعارض با ادعای کمبود مالی ذکر شده است.

بی‌توجهی مدیریتی و ترک فعل گسترده

گزارش‌ها حاکی از آن است، مدیرعامل جدید در طول ۱۰ ماه، تنها ۵ بار به سایت عسلویه مراجعه کرده است. همچنین سفرهای خارجی بدون هماهنگی و فاقد ارتباط با پروژه صورت گرفته که مصداق تداوم هدررفت منابع در دوره مدیریت آذری است. قراردادهای مشاوره‌ای متعدد و بدون حضور مشاوران که در شرکت منعقد شده است نمونه دیگری از چرخه فساد و ناکارآمدی است. در گزارش‌ها اشاره شده است یکی از تجهیزات خارجی پروژه بیش از ۶ ماه در گمرک رها شده و ترخیص نشده است که هیچ اقدام موثری از سوی مدیران پتروشیمی هرمز در این زمینه صورت نگرفته است.

ترک فعل‌های خطرناک با آثار ملی

افراد مطلع به انتشار گزارشی اشاره دارند که در آن چند مورد مهم ذکر شده است: در این متن آمده است: با گذشت ۹ ماه از انتصاب، هنوز ثبت تغییرات مدیریتی در اداره ثبت انجام نشده است که می‌تواند به ابطال مجوز اجرای طرح منجر شود. در نتیجه عدم پیگیری مدیریت جدید، زمین مهمی به مساحت ۱۰ هکتار—که پس از ۳ سال پیگیری حقوقی از مالک قبلی بازپس گرفته شده بود—به علت بی‌توجهی به شرکت دیگری واگذار شد. چشم‌پوشی از تقلب ۲۰۰ میلیارد تومانی یک پیمانکار که مدیرعامل منصوب شده به‌جای اعلام تخلف، دستور توقف پیگیری را صادر کرده است نمونه‌ای دیگر از ضعف آشکار مدیریتی آذری در پتروشیمی هرمز است.

خطر شکل‌گیری ادعاهای چندصد میلیون یورویی پیمانکار

با توقف کامل پروژه و حذف مدیران فنی و کارشناسان باتجربه، شرکت در برابر دعاوی مالی پیمانکاران کاملاً بی‌دفاع شده است. پیش‌بینی می‌شود تنها یک پیمانکار پروژه (ناموران) بتواند ادعایی تا ۲۵۰ میلیون یورو علیه شرکت مطرح کند. این موارد هرکدام نشانگر آن است، مجموعه‌ای از سوء مدیریت، ناکارآمدی ساختاری، هزینه‌کردهای مشکوک، ترک فعل‌های حقوقی و شائبه تبانی با پیمانکاران را آشکار می‌کند که پیامد آن، توقف کامل مهم‌ترین پروژه پتروشیمی کشور و خطر تحمیل خسارتی عظیم به بیت‌المال است. موضوعی که برای جلوگیری از گسترش این آسیب‌ها، ورود فوری و قاطعانه نهادهای نظارتی و قضایی را الزامی ساخته است و مشخص نیست مدیران بالادستی در هلدینگ خلیج فارس چرا تصمیمی برای پیشگیری از این وضعیت آشفته در پتروشیمی هرمز انجام نمی‌دهند.

اسناد ضمیمه در صفحات بعد

متأسفانه، شواهد و مستندات متعدد و قطعی حاکی از آن است که پس از انتصاب آقای امیر آذری در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳، این ابرپروژه ملی نه تنها از مسیر پیشرفت منظم خود بازمانده، بلکه به صورت کامل متوقف گردیده است. این توقف کامل، که منجر به پیکاری و تعدیل بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران پروژه شده، سرمایه‌گذاری هنگفت انجام شده تاکنون، به مبلغی بالغ بر ۱۵ الی ۱۶ هزار میلیارد تومان را در معرض تضییع و نابودی کامل قرار داده است. فراتر از رکود اجرایی و هدر رفت منابع صرف شده در این طرح، مجموعه‌ای از بی‌کفایتی مدیریتی، از جمله رها شدگی کامل پروژه و عدم حضور مؤثر مدیرعامل در شرکت و سایت عملویه، استخدام‌های بی‌رویه و سفارشی نیرو در دفتر تهران (افزایش ۲ برابری پرسنل کارفرما)، پرداخت پاداش‌های هنگفت و بی‌مورد (مانند پاداش‌های چند صد میلیونی) به مدیران و همزمان تغییر و برکناری اغلب مدیران اصلی و با سابقه پروژه که عملاً منجر به پاکسازی حافظه سازمانی و فنی طرح گردیده، نشان‌دهنده یک سوء مدیریت و بی‌کفایتی منجر به نابودی کامل طرح است. اهمال‌ها و ترک فعل‌های صورت گرفته، به صورت خودکار موجب بسترسازی برای طرح ادعاهای چند صد میلیون یورویی از سوی پیمانکاران اصلی پروژه بوده

مقایسه وضعیت قبل و بعد از انتصاب آقای امیر آذری

بررسی تطبیقی و مستند عملکرد پروژه در دو بازه زمانی قبل و بعد از انتصاب مدیریت جدید در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳، ابعاد ناکارآمدی و بی‌کفایتی مدیریتی و از هم گسستگی امور را نمایان می‌سازد. علت اصلی و ریشه‌ای توقف کامل چنین طرح عظیمی، انتصاب فردی با مدرک کارشناسی حقوق و فاقد هرگونه تخصص فنی، سابقه اجرایی مرتبط و تجربه راهبری پروژه‌های عظیم پتروشیمی به عنوان مدیرعامل این مجموعه می‌باشد. این انتصاب غیرعقلانی که صرفاً بر مبنای روابط دوستانه امیر آذری و محسن پیگلریگی صورت گرفت، به سرعت تأثیر خود را بر تمام ارکان پروژه نشان داد که در نتیجه آن پروژه به صورت کامل متوقف گردید. این اتفاق نتیجه مستقیم عدم حضور و تعهد و تجربه مدیرعامل جدید و تیم همراه ایشان است که ترک درست و تجربه کافی از پیچیدگی‌های فنی و اجرایی طرح ندارد.

وضعیت پروژه تا دی ماه ۱۴۰۳ (قبل از مدیریت آقای آذری): تا پیش از تغییرات مدیریتی، ابرپروژه هرمز، علی‌رغم مواجهه با چالش‌های رایج در پروژه‌های عظیم، به ویژه محدودیت‌های مالی، در یک مسیر پیشرفت مستمر و قابل قبول قرار داشت. در این دوره، با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۱۵ الی ۱۶ هزار میلیارد تومان، پروژه به پیشرفت فیزیکی قابل توجه ۴۸ درصدی دست یافته بود. این پیشرفت با نرخ میانگین و منظم حدود ۶ الی ۱۵ درصد در ماه، به صورت مستمر و رو به افزایش در حال حرکت بود. اغلب سفارش خریدهای داخلی و خارجی انجام شده بود و بسیاری از آنها در حال ساخت بودند و نقاط بحرانی پروژه طی شده بود. با توجه به حرکت منظم پروژه پیش بینی می‌شد که در اواخر سال ۱۴۰۴ واحد الفین به بهره‌برداری برسد. این پیشرفت حاصل تمرکز کامل مدیریتی و اجرایی بر کارگاه پروژه در عملویه بود. در آن مقطع، حدود ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ نفر نیروی کار مستقیم در جبهه‌های کاری متعدد مشغول فعالیت بودند. تیم مدیریتی، از جمله مدیرعامل وقت (جناب آقای دکتر امیر مسعود جمشیدی)، به صورت کامل در عملویه مستقر بوده و با نظارت میدانی و برگزاری جلسات مستمر در سایت، چالش‌های اجرایی و مالی را مدیریت کرده و اجازه توقف در جبهه‌های کاری را نمی‌دادند.

وضعیت پروژه پس از ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ (دوره مدیریت جدید): پس از انتصاب آقای امیر آذری، این روند کاملاً معکوس شد. اولین اثر این انتصاب، که نشأت گرفته از عدم آشنایی ایشان با چالش‌های طرح‌های پتروشیمی بود، توقف کامل و مطلق کلیه فعالیت‌های اجرایی طرح بود. بهانه اصلی برای این توقف ناگهانی و دفعی، «کمبود منابع مالی» عنوان شد. این توجیه در تناقض با واقعیت‌های پیشین پروژه قرار دارد چرا که پروژه پیش از این نیز با همان چالش‌های مالی، قادر به حفظ نرخ پیشرفت متناسب بود. در واقع توقف پروژه، نه یک ضرورت ناشی از محدودیت‌های مالی بود، بلکه یک اثر طبیعی و قابل پیش‌بینی از واگذاری شرکت به فردی ناکارآمد و بدون هیچ اهتمامی نسبت به منافع ملی بود که کمبود نقدینگی، صرفاً پوششی برای آن است. در ادامه دلائل این ناکارآمدی که نه تنها با کمبود مالی ارتباطی ندارد بلکه در مواقعی در

بزرگان کهن‌دیناری بعد از سلطنتی جدید، فراتر از خود معرفت تجربی و مالی، در حوزه فعالیت‌های قانونی و تجارت فعال‌تر شدند. این امر منجر به ظهور طبقاتی جدیدی در جامعه شد که به واسطهٔ فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی خود، نقش مهمی در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کردند. این طبقاتی جدید، با بهره‌گیری از مهارت‌های مدیریتی و اقتصادی، به تدریج به مراکز قدرت و نفوذ تبدیل شدند و به واسطهٔ این امر، به شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی کشور، نقش مهمی ایفا کردند.

[illegible]

واقعاً از تسبیح طویل‌تر شرکت در کار عملی و بی‌نیازی از سخن‌های مدیریت جدید است؟^۴ چنین هم‌پایان‌ها
 نه‌چیز است، اما ساختار مغایر به شرکتی از طریق تفکر و ایجاد راه‌حل‌ها و ساختار ۱۶ ساله به به عنوان یکی از
 جاذبه‌های این شرکت به‌شمار می‌رود. هر چه از این راه‌حل‌ها و ایجاد راه‌حل‌ها و ساختار ۱۶ ساله به به عنوان یکی از
 محسوب می‌شود، مدیریت پدیدار شرکت را در یک وضعیت جهانی این چنین پیچیده‌تر می‌سازد و راه‌حل‌ها را در
 طول حدود ۳ سال از طریق حل‌های سریع ابداع نظارتی و ایجاد تغییر در حیطه‌های ساختاری شرکت، سراسر راه‌حل‌ها را در
 شرکت و پیگیری از طریق نظام مدیریت و راه‌حل‌ها را در شرکت.

[illegible]

۱۳۸۷-۱۳۸۸: تهیه مستندات از ایتالیا و فرانسه و انتشار از مراجع تهیه و اعلامیته قرار داد مطالعه پس از تصویب انجمن انرژی در تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۰۱. در این راستا اقدامات انجام شد: پیگیری نامه‌های درخواستی جهت انجام این فعالیت و ترک فعل حاضر آن شد که سازمان مطالعه و راه‌اندازی به دلیل عدم پیگیری، مذکور را به شرکت دیگری به نام «گندوان بتن پارس» واگذار نمود. آخرین ترتیب زحمات ۳ ساله حقوقی و انرژی شرکتی به طور کلی در این رفت و برگشت و توسعه فاز ۱ طرح به دلیل بی‌عملی و بی‌توانی محض مدیریت جدید، با چالش‌های زیادی روبرو می‌گردد.

[illegible]

همزمان با این ماجرا در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۳ آقای آذری منصوب شد. در کمال ناآگاهی هيات ناواري در تاريخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۰ با نوايه افشاكني كليه مستندات و نامه هراسان از شدت راي نه نفع بيستگزار مختلف صادر و پرتوشيهي همز را به پراختن حدود ۱۵۰۰ ميليارد تومان داد با اعتنا عبارت از پنج به پيش از ۲۰۰ ميليارد ميوه سا مستحکم نمود. اين دستور را در صورت راي موضوع نوايه بيستگزار به هراسان نوايه اخبره قلبي، به صورت (جهت) به استحضار نمود. جديد آقا آذري رسيد اما بيستگزار صراحتاً دستور نوايه كمال قلبي افشاكني (جهت) نوايه اخبره به هدايت و مراجع عظامي و شكايت از متخلفان را صادر كردند و اعلام نمودند هيچ نمازي به انعكاس نتايجات به هدايت و بيستگري متخلفان داخل وجود ندارد اين قيام، يعني گروهي و ترك فعل صورت گرفته توسط انبه مديريت جديد، پس به مخفي كردن نوايه محزون بيستگزار و عدم هرگونه برخورد با متخلفان، در حالي كه همه مستندات حاكي از نقض بيستگري بيستگزار بود. مصداق بارز تسخير حقوق شركت و افعال در بيستگري و اخلاقي خلق به بيستگري باغ و ۲۰۰۰ ميليارد تومان است.

برگزاری جلسات غیرکارشناسی و فنی با مدیران پیمانکار: مهم‌ترین قریبه در این زمینه، برگزاری جلسات متعدد دوجانبه میان مدیرعامل جدید (جناب آقای آذری) و مدیران شرکت‌های پیمانکاری است. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که بر اساس گزارش‌ها، این جلسات بدون حضور هرگونه کارشناس فنی، حقوقی، اجرایی یا مدیری از سوی کارفرما (پتروشیمی هرمز) برگزار می‌شود. برگزاری جلسات خصوصی توسط مدیرعامل (که خود فاقد تخصص فنی است) با طرف قراردادی که شرکت با او در آستانه یک اختلاف مالی کلان قرار دارد، ضمن حذف کامل بدنه کارشناسی، شائبه تبانی، هماهنگی پشت پرده و همسویی با پیمانکار علیه منافع خود شرکت را به شدت تقویت می‌کند.

سکوت در برابر ادعاهای پیمانکار و مستندسازی به نفع پیمانکار: همزمان با مذاکرات غیرفنی، مدیریت جدید به طور کامل و عمدتاً از پاسخ‌گویی به نامه‌های رسمی، استعلامات و ادعاهای مکتوب پیمانکار خودداری کرده است. سکوت در برابر ادعاهای مکتوب و متعدد پیمانکار، به منزله پذیرش ضمنی آن تلقی می‌شود. این ترک فعل یک اقدام واضح برای تضعیف جایگاه حقوقی شرکت در دعوی و ادعاهای آینده است. مدیریت جدید با این کار، در عمل به پیمانکار اجازه می‌دهد تا یک سابقه مکتوب یک‌طرفه و بدون پاسخ برای خود ایجاد کند؛ سندی که در هر دادگاه یا مرجع داور، مستند محکمی برای اثبات ادعایش خواهد بود.

انگیزه پیمانکار و فرصت طرح ادعا: لازم به ذکر است که پیمانکار اصلی واحد القین (شرکت ناموران)، بیش از این نیز به دلیل ساختار نامتوازن و ناکارآمدی اجرایی، توان پیشبرد پروژه را نداشته و به بهانه‌های مختلف به دنبال توقف آن بود. تیم مدیریتی وقت کارفرما، با درک این موضوع، سعی در جبران خلاء اجرایی پیمانکار داشت و امور را با محوریت تیم کارفرما به پیش می‌برد. پس از تغییر مدیریتی و توقف کامل پروژه توسط آقای آذری، پیمانکار بهترین فرصت را برای طرح ادعاهای فراوان یافت. اکنون پیمانکار می‌تواند ضمن رهایی از دشواری‌های اجرا (که توان آن را نداشته)، از این فرصت طلایی که مدیریت جدید در اختیار او قرار داده برای توقف پروژه و طرح ادعاهای چند صد میلیون یورویی استفاده کند. پیش‌بینی می‌شود با توجه به خاتمه قرارداد پیمانکار القین در آذرماه ۱۴۰۴ و عدم وجود هیچ برنامه‌ای برای پیشبرد طرح شرکت با ادعایی بالغ بر ۲۵۰ میلیون یورو صرفاً از طرف این پیمانکار مواجه خواهد شد.

جمع‌بندی نهایی

مستندات، شواهد و تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش، تصویر روشنی از یک «سوء مدیریت راهبردی»، بی‌کفایتی محلی و زنجیره‌ای از «ترک فعل‌های عمدانه» در شرکت پتروشیمی هرمز خلیج فارس نشان می‌دهد. انتصاب یک مدیرعامل فاقد صلاحیت براساس روابط دوستانه و به دور از منطق پروژه، توقف کامل یک پروژه در حال پیشرفت تحت بهانه‌ای واهی (کمبود نقدینگی، در حالی که هزینه‌های سربار افزایش یافته)، پاکسازی حافظه سازمانی و فنی و نهایتاً همکاری در مستندسازی ادعاهای پیمانکار از طریق مذاکرات غیرفنی، سکوت حقوقی و چشم‌پوشی از تخلفات محرز، همه نشان‌دهنده یک هشدار جهت تصبیع گسترده حقوق بیت‌المال است. تداوم این روند به طور حتم به قضایی شدن اختلافات، طرح ادعایی چند صد میلیون یورویی از سوی پیمانکاران و در نهایت، از بین رفتن کامل سرمایه‌گذاری ۱۵ الی ۱۶ هزار میلیارد تومانی انجام شده و نابودی یک دارایی استراتژیک ملی به ارزش ۴ میلیارد دلار، منجر خواهد شد.